

## **A Critical Review on the Book *Tazkirat Al-Awliya***

**Masoumeh Amirkhanlou\***

### **Abstract**

The publication and textual criticism of Attar of Nishapur's "Tazkerat al-Awliya", which is considered as one of the most important texts in Persian prose, was done in 1398 by Dr. Mohammad Reza Shafi'i Kadkani. More than a century has passed since the first textual criticism of "Tazkerat al-Awliya" by Reynold Alleyne Nicholson, but the new work that has been made is in many ways superior to the works of others; because the editor has largely provided a text close to Attar's language by dealing with multiple manuscripts and providing a textual criticism. In addition to this, it is necessary to mention the useful comments, the detailed introduction, and the acquisition of the main sources of the mystics' words in Tazkerat and their memoirs and cultures. The present article intends to point out some of the shortcomings and mistakes in the text of the book while pointing out the advantages and benefits of the new work. These shortcomings include typographical errors, incomplete or incorrect references, ambiguity in the method of textual criticism, structural and content confusion.

**Keywords:** *Tazkerat Al-Awliya*, Attar of Nishapur, Textual Criticism, Incomplete References, Structural Confusion.

\*.- Assistant Professor, Department of Persian Language & Literature, Islamic Azad University, Bandargaz Branch, Iran, amirkhanloo@bandargaziau.ac.ir

Date received: 05/07/2021, Date of acceptance: 02/10/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## بررسی انتقادی تصحیح تذکرة‌الاولیا

معصومه امیرخانلو\*

### چکیده

چاپ و انتشار تصحیح تذکرة‌الاولیای عطار نیشابوری، که از امهات متون نثر فارسی به‌شمار می‌رود، در سال ۱۳۹۸ به‌همت دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی به‌انجام رسید. از اولین تصحیح انتقادی تذکرة‌الاولیا، به تصحیح رینولد الین نیکلسون، بیش از یک قرن می‌گذرد، اما تصحیح تازه‌ای که صورت گرفته است از بسیاری جهات بر تصحیح سایرین برتری دارد، زیرا مصحح از طریق مقابله با نسخ خطی متعدد و فراهم‌کردن چایی انتقادی تاحد زیادی متن نزدیک به زبان عطار را ارائه داده است. درکنار این، باید از تعلیقات سودمند، مقدمه مفصل، به‌دست‌دادن مآخذ اصلی سخن‌مشایخ در تذکره، و فرهنگ‌واره‌های آن یاد کرد. نوشتار حاضر بر آن است تا، ضمن اشاره به محاسن و مزایای تصحیح جدید تذکره، برخی کاستی‌ها و اشتباهات واردشده در متن کتاب را برشمارد. از جمله این کاستی‌ها می‌توان به غلط‌های مطبعی، ارجاعات ناقص یا اشتباه، دوگانگی در روش تصحیح متن، و آشفتگی‌های ساختاری و محتوایی اشاره کرد.

**کلیدواژه‌ها:** تذکرة‌الاولیا، عطار نیشابوری، تصحیح متن، ارجاعات ناقص، آشفتگی‌های ساختاری.

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرگز، بندرگز، ایران،  
amirkhanloo@bandargaziau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## ۱. مقدمه

تذکره‌الاولیای عطار نیشابوری از برجسته‌ترین آثار مشهور فارسی است که در بردارنده شرح حال تعدادی از مشایخ و عرفای اولیه تا زمان عطار است. از این‌روی مشتمل بر مباحث مختلفی چون تاریخ اندیشه‌های دینی و عرفانی، سیر تطور تصوف از شکل زاهدانه آن تا عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین مفاهیم عرفانی است. در کنار این مسئله، وجود لغات و ترکیبات کهن و گونه‌گونی زبان هریک از مشایخ این کتاب را در زمره امهات متون نثر فارسی قرار داده است. عطار در تألیف این کتاب از متون پیش از خود نظیر حلیه‌الاولیا، طبقات‌الصوفیه سُلَمی، کشف‌المحجوب هجویری، و... بهره برده است.

این کتاب را برای اولین بار، در حدود بیش از یک قرن پیش، رینولد الن نیکلسون به طبع انتقادی رساند. باید اشاره کرد تعداد نسخه‌های مورداستفاده نیکلسون اندک‌شمار (چهار نسخه لیدن، موزه بریتانیا، برلین، و پاریس) بوده است که همگی بی‌تاریخ و فقط یکی از دست‌نوشته‌ها تاریخ‌دار بوده است. به نظر می‌رسد نیکلسون از بسیاری از نسخه‌های معتبر که عموماً در ترکیه بوده‌اند بی‌خبر بوده است. از برتری‌های این تصحیح مقدمه علامه محمد قزوینی است که حاوی اطلاعات سودمند و دقیقی است. پس از نشر نخستین چاپ تصحیح رینولد نیکلسون، یکی از کتاب‌فروشی‌های تهران همان را دوباره به عنوان تذکره‌الاولیای تصحیح علامه قزوینی منتشر کرد، ولی با اطمینان می‌توان گفت که محمد قزوینی هرگز تذکره‌الاولیا را تصحیح نکرده است. نخستین تصحیح این تذکره بر پایه نسخه‌های قدیم و معتبر را محمد استعلامی میان سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۵ ش انجام داد. اساس این تصحیح بر قدیم‌ترین نسخه تذکره‌الاولیا (مورخ ۶۹۲)، حدود هفتاد سال پس از فوت عطار، محفوظ در کتاب‌خانه پیرهدایی است و مصحح آن را با نسخه مورخ ۷۰۱ محفوظ در کتاب‌خانه ملی تهران، نسخه ۷۱۰ تحریر قونیه، و نیز با چاپ نیکلسون و چاپ‌های هند مقابله کرده است. استعلامی تصحیح بخش دوم تذکره‌الاولیا را، که از ملحقات می‌داند، بر اساس چاپ نیکلسون و در مواردی با ارجاع به منابع دیگر فراهم کرده است. از ویژگی‌های این تصحیح آن است که مصحح خود را به آوردن تمام نسخه‌بدل‌ها ملزم نمی‌کند و تنها مواردی را یادآور می‌شود که معنای محصلی داشته باشد.

## ۱.۱ بیان مسئله

انتشارات سخن در سال ۱۳۹۸ تصحیح استاد شفیع کدکنی از تذکره‌الاولیاء را در دو جلد منتشر کرد. کتاب حاضر در سه بخش کلی «مقدمه»، «متن مقابله‌شده»، و در پایان «نسخه‌بدل‌ها، تعلیقات، فرهنگواره‌ها، و فهرست مراجع» است. مصحح در مقدمه به مباحثی چون عطار و تاریخچه نیشابور در زمان‌های مختلف، یافته‌هایی در باب تذکره و منابع عطار، و زبان و سبک عطار در تذکره می‌پردازد؛ آن‌گاه معرفی کاملی از نسخه‌های به‌کاررفته و دلیل اهمیت نسخه‌های اساس در دو بخش تذکره و بیان ویژگی‌های سبکی و نوشتاری نسخه‌ها و نیز روش تصحیح به‌دست می‌دهد. در واقع، از مهم‌ترین وجوه برتری این تصحیح بر چاپ‌های پیشین بهره‌گیری آن از نسخ خطی معتبر تذکره‌الاولیاست. مصحح ضمن معرفی نسخه‌های چهل‌گانه به توصیف و بیان اهمیت و ارزش هر یک از نسخه‌ها می‌پردازد و قدم‌به‌قدم خواننده را با دنیای تصحیح متن و ویژگی‌های آن آشنا می‌سازد. در بخش انتهایی مقدمه هم درباره‌ی ماهیت تصوف و عرفان، صدق و کذب گزاره‌های عرفانی، شریعت و طریقت و حقیقت، مسئله کرامت، و... مطالبی بیان می‌کند.

بخش دوم کتاب (متن مقابله‌شده) دو بخش دارد که بخش اول شامل ۷۲ تن از مشایخ است که با ذکر امام جعفر صادق (ع) آغاز و به ذکر منصور حلاج ختم می‌شود. بخش دوم هم شامل ذکر ۲۵ نفر از ابراهیم خواص تا امام محمدباقر (ع) است. از سودمندی‌های این بخش این است که مصحح قبل از بخش مربوط به هر یک از مشایخ به معرفی و بیان نکات برجسته زندگی هر عارف و درنهایت به ارائه فهرستی از منابع دست‌اول برای شناخت بیش‌تر عارف موردنظر می‌پردازد.

مصحح در قسمت تعلیقات اطلاعات مفصلی را در باب واژگان، اصطلاحات، و مأخذ اصلی گفتار عطار با مراجعه به منابع پیش از عطار به‌دست می‌دهد. به‌نظر نگارنده، یکی از ارزش‌های انکارناپذیر این تصحیح بر سایر چاپ‌ها آوردن اصل منبع و مأخذ سخنان مشایخ در کتاب‌های پیش از عطار مانند *حلیة‌الاولیای حافظ ابونعیم اصفهانی*، *طبقات‌الصوفیة سلمی*، *طبقات‌الصوفیة خواجه عبدالله انصاری*، و سایر منابع موردمراجعه مصحح است که نشان از احاطه ژرف و فراگیر مصحح بر سرچشمه‌های زبان عرفان و تصوف دارد.

## ۲. بحث و بررسی

بدون شک، تصحیح شفیع کدکنی هم به جهت بهره‌مندی از چندین نسخه معتبر و هم به جهت تعلیقات مفصل بهترین چاپ تذکره تا به اکنون است. با همه این مزیت‌ها و برجستگی‌ها که تنها به برخی از آن‌ها اشاره شد، نگارنده این یادداشت درحین خواندن و بررسی تصحیح یادشده به کاستی‌ها و ایراداتی برخورد کرد که رفع آن‌ها می‌تواند ارزش کار مصحح را برجسته‌تر کند.

### ۱.۲ اشتباهات مطبعی

- شناسنامه کتاب، موضوع به لاتین «Sufism» آمده که صورت درست آن «Sufism» است.
- صفحه ۷۹، سطر سوم: «... شخصی خود فروده است» که بایستی به «افزوده است» اصلاح شود.
- صفحه ۱۱۷، از پایین سطر ششم: «ک/گ: یکسان کتاب شده است». صورت درست «کتابت» است.
- صفحه ۵۷۲، سطر چهارم: «جای تهیت است، اگر چنان بودی که...»؛ صورت صحیح کلمه «تهیت» است.
- صفحه ۸۷۳، سطر دهم: «و از این جنس رازی همی کرد و جمله زمین مسجد به خون چشم آغشته گردانید». ضبط درست کلمه «زاری» است.
- صفحه ۱۱۶۶، از پایین سطر چهارم: «چون گریخت از سایه او دیو دور»؛ در منبع مذکور (مصیبت‌نامه، ۵۱۷) ضبط درست «گریخت» است.
- صفحه ۱۲۲۲، سطر اول: «و با همین تعبیر هفتاد اندامت را ذره‌ذره گردانم»؛ در منبع یادشده (مصیبت‌نامه، ۲۲۸) «هفت» به کار رفته است.
- صفحه ۱۲۴۵، سطر پنجم: «و اگر میان مسلمان بودن و گردن‌زده‌شده منخیر شدید...»؛ ضبط درست کلمه «شدن» است.
- صفحه ۱۲۴۸، ۱۹:۲۵ زنی که در عهد شافعی...: «و بعضی از منابع مانند ابونعیم نوشته‌اند...»؛ «منابع» درست است.

- صفحه ۱۳۱۳، ۲۰:۴۵ و سخن اوست که آفرینش دل‌ها...: «و تکلمه‌ای که خراز بر آن حدیث افزوده بوده است...»؛ «تکلمه‌ای» صحیح است.
- صفحه ۱۳۴۷، ۲۱:۵۸ خواب راست یک جزو...: «ذیل تاریخ مدینه السلام...»؛ «مدینه» درست است. در صفحه ۱۷۶۰ فهرست مراجع هم نام کتاب اشتباه آمده است.
- صفحه ۱۳۶۹، ۱۰:۶۹ اخبار عالی: «... علوم الحدیث و مصطلحاته...»؛ صورت درست کلمه «مصطلحه» است.
- صفحه ۱۴۲۸، ۲۱۶:۷۹ این درد می‌برد: «اگر تصحیف ”می‌بُود“ نباشد به معنی استمرار داشتن است»؛ قاعدتاً باید «باشد» باشد تا معنای مورد نظر مصحح را بدهد.
- صفحه ۱۴۲۹، از پایین سطر سوم: «ولی در نور العلم پرهیز، می‌تواند منشأ...»؛ «نورالعلوم» درست است.
- صفحه ۱۴۴۸، ۹۲:۸۵ لیکن تو با عمل...: «یعنی عمل را انجام بده ولی... برای عمل خویش ارزش و اعتبار قائل شو»؛ قاعدتاً باید «مشو» درست باشد.
- صفحه ۱۴۶۱، ۷:۹۲ بسنده نیست این که: «و در ترجمه کهن رساله بدین گونه ترجمه شده است: «پسندیده نیست این که...»؛ صورت درست کلمه «بسنده» است.
- صفحه ۱۴۷۱، ۱۰:۹۵ قَال: «طبقات الشافعیه، سبکی...»؛ کلمه درست «الشافعیة» است.
- صفحه ۱۴۸۵، ۵۹:۹۵ مرقع و طلیسان: «طلیسان گاهی به عنوان جامه یهودیان...»؛ «طلیسان» درست است.
- صفحه ۱۷۴۵: الأعلاق النفسیه، ابن رسته،...: «الأعلاق النفسیه» درست است.
- صفحه ۱۷۴۹: المختار من مناقب الأبرار،...، مرکز زااید للتراث و التاريخ...: «للتراث» درست است.
- صفحه ۱۷۶۴: شرح مشکلات نفحات الأنس،...، نسخه موره ۹۴۳...: «مورخ» درست است.

## ۲.۲ ذکر نکردن منابع استفاده‌شده در منابع و مآخذ پایان کتاب

از موارد شایان توجه در تصحیح حاضر استناد به منابع دست‌اول و نویافته درباره هریک از مشایخ است که مصحح در مطاوی مقدمه و تعلیقات بدان‌ها استناد جسته است، اما در بسیاری از موارد مشخصات کامل منابع ارجاع‌داده‌شده در قسمت کتاب‌شناسی پایان کتاب ذکر نشده و چنین امری برای پژوهنده‌ای که به دنبال اطلاعات کامل‌تر درباره موضوع موردنظر است ایجاد دشواری می‌کند. در زیر برخی از این موارد ذکر شده است:

- صفحه ۲۶: در پاورقی شماره ۸ به کتاب *الحركة العلمیة فی نیسابور من القرن الثالث الهجری الى القرن الخامس الهجری* ارجاع داده شده، اما در فهرست منابع ذکر نشده است.
- صفحه ۶۵: در پاورقی شماره ۲ به کتاب *The Necklace of the Pleiades* ارجاع داده شده، اما در فهرست منابع نیامده است.
- صفحه ۲۳۸: در منابع تحقیق در باب معروف کرخی ارجاع به کتاب *الأربعین فی شیوخ الصوفیه* داده شده که در فهرست منابع پایان کتاب جای آن خالی است.
- صفحه ۶۹۰: در بخش منابع مربوط به ابونصر سراج به دو کتاب *مهمان‌نامه بخارا* و *ابونصر السراج و کتاب اللمع* ارجاع داده شده، اما در کتاب‌شناسی ذکر نشده است.
- صفحه ۷۱۸: در معرفی منابع تحقیق درباره خرقانی به کتاب *بحر الحقائق و المعانی* ارجاع داده شده است، اما در فهرست کتاب‌شناسی نامی از آن در میان نیست.
- صفحه ۸۶۴: در بخش معرفی منابع تحقیق درباره ابوسعید ابوالخیر از کتاب‌های *الفصل فی الملل و الأهواء و النحل، بستان القلوب و سیر الأقطاب* سخن به میان آمده، اما در کتاب‌شناسی پایان کتاب نامشان از قلم افتاده است.
- صفحه ۱۳۴۷، *سطر سوم*: به کتاب *الهدی النبوی فی العبادات و زاد المعاد فی هدی خیر العباد* ارجاع داده شده، ولیکن در کتاب‌شناسی مشخصات آن‌ها ذکر نشده است.
- صفحه ۱۳۶۹، ۱۰:۶۹ *اخبار عالی* و ۱۰:۶۹ *معمّر*: در تعلیقات این دو بخش به کتاب‌های *منهج التقاد فی علوم الحدیث و تذکرة الحفاظ* استناد شده، اما نامشان در کتاب‌شناسی نیامده است.
- صفحه ۱۴۳۷، ۹:۸۱ *راه به خدای به عدد...*: در تعلیقات نام دو کتاب *الأصول العشرة و مناهج الطالبین* ذکر شده، اما در کتاب‌شناسی نیامده است.



### ۳.۲ یک دست نبودن شیوة ارجاعات

- صفحه ۴۶، پاراگراف سوم: قسمت «بگریید به مقدمه عطار بر تذکرة الاولیا بندهای ۹/۰ و ۵/۱» بایستی از درون متن به پاورقی منتقل شود.
- صفحه ۶۶۲، سطر سوم: «استاد فروزان فر ممشاد ضبط کرده است در ترجمه رساله قشیریه: ۶۹». بهتر است به سیاق اعم اغلب ارجاعات در این کتاب آدرس منبع به پاورقی منتقل شود.
- صفحه ۱۲۹۸، ۵۸:۴۳ میان ایشان و خدای...: در تعلیقات آمده است: «← ابوالحسن خرقانی، شماره ۷۹». این گونه ارجاع دادن برخلاف سیاق کلی کتاب است که نام کتاب و شماره صفحه ذکر می شود. در این مورد هم که ارجاع به تذکره است مانند موارد مشابه این گونه ارجاع داده شود: «← ۲:۷۹».
- صفحه ۱۳۴۱، ۲۳:۵۵ صوفی آن است که: ۳۱ خرکوشی: این گونه ارجاع دادن برخلاف سیاق سایر ارجاعات است. بایستی بدین گونه ارجاع داد: «تهذیب الأسرار، ۳۱».

### ۴.۲ ارجاعات ناقص

- صفحه ۱۱۳، سطر سوم: «... وقتی در کشتی خواست نشستن سیم نداشت» (ص ۱ از چاپ نیکلسون) آغاز می شود و با افتادگی های بسیار در سطر ۱/ احوال سری سقطی...»، ارجاعاتی که داده شده اشتباه است و راه به جایی نمی برد.
- صفحه ۱۱۶۳، ۲:۴: دینار، نام پدر مالک: در تعلیقات این گونه آمده است: «مقاله ما در کتاب با راست قامتان پهنه اندرز...»، ارجاع به مقاله ناقص است و بایستی عنوان مقاله و شماره صفحه ذکر می شد. در ادامه همین تعلیقه ارجاع داده شده است به «عبدالله بن مبارک، ۱۵» که هیچ دانسته نیست آیا ارجاع به متن تذکرة الاولیا است یا متن دیگری؟ اگر ارجاع به تذکره است مشخص نیست عبارت فوق در کدام بند بخش عبدالله بن مبارک آمده است.
- صفحه ۱۲۲۶؛ ۲۲۳:۱۴ اختلاف علما: در تعلیقات این بخش آمده است: «شرح تجرید، خواجه طوسی»؛ شماره صفحه مأخذ مذکور از قلم افتاده است.

- صفحه ۱۲۸۶، سطر هشتم: «در ترجمه عرجون ۳۹:۳۶ بعضی از مترجمان قدیمی قرآن کریم کژ/ خننبیده آورده‌اند (فرهنگ‌نامه قرآنی ۱۰۱۴)». ارجاع کامل این‌گونه است: فرهنگ‌نامه قرآنی ۱۰۱۴/۳.
- صفحه ۱۳۲۵، ۵:۴۹ چگونه باشد حال...: در تعلیقات، فقط به «طبقات‌الصوفیه انصاری» بدون ذکر شماره صفحه ارجاع داده شده است.
- صفحه ۱۳۶۸، سطر هفتم: «امثال و حکم، ۷۳۳»: آدرس درست این‌گونه است: امثال و حکم، ۷۳۳/۲.
- صفحه ۱۴۲۸، ۲۰۰:۷۹ چون دو بود...: «مقایسه شود با شماره ۹۴۰ که...»؛ آدرس منبع ناقص است. چنین ارجاعات ناقص و نادرستی در تمام بخش تعلیقات ابوالحسن خرقانی دیده می‌شود. به‌عنوان مثال، مورد مذکور بایستی این‌گونه ارجاع داده می‌شد: نوشته بر دریا، بند ۹۴۳.

## ۵.۲ ذکر نکردن منبع و مأخذ نقل قول‌های مستقیم

- صفحه ۵۸، سطر هفتم: جمله‌ای از یحیی معاذ رازی نقل شده، اما منبع آن ذکر نشده است. «الإخلاص تمييز العمل من العيوب...».
- صفحه ۱۱۹۳، ۵۱:۱۲ اگر مرا سجود همه...: «یا بشر لو سجدت... فی قلوب عبادی». آدرس مأخذ عبارت عربی ذکر نشده است. با جست‌وجویی که در منابع تحقیق مصحح به عمل آمد، دانسته شد مأخذ عبارت المختار ۴۷۲/۱ است.
- صفحه ۱۲۰۳، ۱۱۵:۱۳ بزرگ گرداند: «همین عبارت را در جای دیگر از کتاب، "عصمه الله" خوانده...»، اما در ادامه ارجاعی به متن موردنظر داده نمی‌شود، بلکه چندین سطر بعدتر به شماره «۶۶ تذکره» ارجاع داده می‌شود که دراصل می‌بایست این‌گونه ارجاع داده می‌شد: «۵/۶۶».
- صفحه ۱۲۸۵، سطر اول: «و مهدی اخوان ثالث در عصر ما گفته است: شعر قرآن و... از شعر من و سینه من». منبع شعر اخوان ثالث ذکر نشده است.
- صفحه ۱۳۰۵، ۲۱۷:۴۳ صادق روزی چهل بار...: «الصادق يتقلب... أربعين سنة». مأخذ این عبارت عربی ذکر نشده است.

- صفحه ۱۳۴۰، ۱:۵۵ آن سالک بساط وجد: در تعلیقات، به نقل از نیکلسون آورده‌اند: «آن سالک بساط وجدان پرورش»، اما آدرس منبع ذکر نشده است. ارجاع مطلب بدین گونه است: تذکرة الاولیاء، نیکلسون، ۸۵/۲
- صفحه ۱۳۶۴، ۴:۶۶ هر که به جر از خدای...: «من یکن سروره بغیر الحق... فی وحشة». مأخذ این عبارت ذکر نشده است، با جست‌وجو در منابع آدرس آن یافت شد: المختار ۳۵۳/۱.
- صفحه ۱۴۴۰، ۱۵:۸۲ سویق: «شاعری گفته است: یا حبذا ما فی الجوالیق...». مصحح اشاره‌ای به مأخذ این بیت عربی نمی‌کند.
- صفحه ۱۴۵۲، ۳:۸۷ از شمار صوفیان ندانم: «فقال: لا ما عدتته فی الصوفیة». مصحح به مأخذ این عبارت عربی اشاره نمی‌کند.
- صفحه ۱۴۶۸، ۲۴:۹۳ به صفت آدم از آدم...: «إذا أخبر عن آدم بصفة الله...». مصحح مأخذ این عبارات عربی را ذکر نکرده است. با جست‌وجو در منابع دانسته شد آدرس آن «طبقات الصوفیة، ۴۸۶» است.

## ۶.۲ آشفته‌گی‌های محتوایی

- صفحه ۲۲، پاورقی ۴: مصحح با اشاره به کتاب *The Histories of Nishapur* بیان می‌کند: «درباب ریشه نام ابرشهر استاد ریچارد فرای در مقدمه... معتقد است که Aparshahr و Abarshahr بوده است...». چگونه است که ریشه نام ابرشهر ابرشهر بوده است؟ با مراجعه به منبع مذکور دانسته شد سخن درباره ریشه نام نیشابور است که از ابرشهر گرفته شده است.
- صفحه ۴۳، پاراگراف سوم: مصحح کتاب در این پاراگراف از عدم تجلیل و تکریم غزالی از جانب عطار حکایت می‌کند، حال آن‌که پیش‌از آن در پاراگراف قبلی سخن برسر اشاره‌نشدن به کتاب شرح‌القلب در کتاب‌شناسی‌های قدیم است. خواننده با خواندن پاراگراف سوم دچار ابهام می‌شود و ربط آشکار معنایی میان این دو پاراگراف نمی‌بیند. حال اگر توضیحات پاورقی به داخل متن آورده می‌شد، این گسست معنایی نیز حل می‌شد.

- صفحه ۸۷: در مقدمه درباره حضور و غیاب مشایخ مابعد حلاج آمده است: ابوعلی دقاق از جمله مشایخی است که در تمام نسخه‌های نه‌گانه حضور دارد، حال آن‌که طبق جدول صفحه ۸۶، ذکر ابوعلی دقاق در نسخه شماره هفت (موزه پارس) نیامده است. در مورد شبلی هم او را در گروه مشایخی که در تمام نسخه‌های نه‌گانه حضور دارند، قرار داده‌اند و هم در گروه مشایخی که در هفت یا هشت نسخه نامشان آمده است. درباره ذکر امام باقر (ع) بیان شده است نامشان در دو نسخه از نسخه‌های نه‌گانه آمده، اما در پاورقی همان صفحه و در جدول صفحه ۸۶ نامشان تنها در یک نسخه (نسخه متعلق به مصحح) ذکر شده است.
- صفحه ۸۳۴ سطر دوم: در بخش معرفی ابواسحاق کازرونی آمده است: «گفته است بیست و هفت هزار تن از مجوسان بر دست من مسلمان شدند»؛ اما براساس متن تذکرة الاولیا (چاپ حاضر) تعداد مجوسان ۲۴ هزار تن آمده است (تذکرة الاولیا، ۴/۹۰).
- صفحه ۱۱۷۱؛ ۶:۱۱ احمد حنبل و شافعی و حیب عجمی: مصحح آورده است: «این حکایت که از دیدار این سه تن خبر می‌دهد نمی‌تواند وجه صحیحی داشته باشد، زیرا حسن در حدود ۱۳۳ در گذشته و شافعی در ۲۰۴ و احمد حنبل در ۲۴۱»؛ سهوی اتفاق افتاده است، زیرا سخن از حیب عجمی و آن دو تن دیگر است، نه حسن بصری.
- صفحه ۱۴۲۳، سطر پایانی: در تعلیقات به کتاب کشف الغطاء عم حکم سماع الغنا ارجاع داده شده است و آن را از آن ابن جوزی دانسته‌اند، در حالی که اشتباه است و این کتاب از ابن قیم الجوزیه است.
- صفحه ۱۴۴۸؛ ۸۵:۷۴ خوف و رجا دو...: مصحح بعد از آوردن مأخذ عربی عبارت مذکور بیان می‌دارد: «آنچه افزون برین در عبارت عطار آمده تفسیر و تعلیق اوست بر سخن واسطی»؛ در واقع، در متن تذکرة، تنها عبارت واسطی آمده است و افزوده دیگری ندارد.

## ۷.۲ آشفته‌گی‌های ساختاری

- صفحه ۱۱۵: نسخه شماره ۴۵۹۱ با حرف اختصاری N معرفی شده، اما همین نسخه در صفحه ۱۲۹ و ۱۴۹ تحت عنوان نسخه برلین دو بار دیگر معرفی شده است.
- صفحه ۱۲۳: نسخه فاتح به‌شمار 4247 با حرف اختصاری F معرفی شده است، اما پیش‌از این نسخه چلبی عبدالله هم با حرف F شناسانده شده بود.

- صفحه ۶۷۲، سطر چهارم: «... و گفت اگر به گرگان پای‌تابه بد بافند، آن جرم شبلی را بود»؛ این قسمت از بند ۳۱ مستقل از ماقبل خود است و باید بند جداگانه‌ای تلقی شود.
- صفحه ۱۱۵۱، ۳۲:۱ من لم یکن له سر...: دقیقاً همین عبارت در صفحه بعد هم توضیح داده شده است. مناسب‌تر بود این دو مدخل در هم ادغام شود.
- صفحه ۱۱۵۲، ۳۳:۱ به ایسی ضرر رسیدی: در همین صفحه این عبارت دو بار، البته با تفاوت‌هایی، توضیح داده شده است. روش‌مندتر این است که توضیحات مربوط به این عبارت همگی در ذیل یک عنوان گفته شود.
- صفحه ۱۲۲۲، ۱۳۹:۱۴: توضیحاتی که در ذیل مدخل «دعوی کردن از کسی درست آید» و «نخست بر خود نور ذات بماند/ نماید» در بسیاری از اجزا تکراری است. بهتر است این دو عنوان یکی شود.
- صفحه ۱۳۰۶، ۲۲۵:۴۳ و گفت پیش‌ازین و ۲۲۶:۴۳ پیش‌ازین توکل حقیقت بود: توضیحاتی که در ذیل این دو عبارت آمده کاملاً تکراری است و بهتر است در هم ادغام شوند. علاوه‌براین، شماره درست هر دو بند ۲۲۴:۴۳ است.
- صفحه ۱۳۳۷، ۱۹:۵۳ سوسی: «همان ضبط خلق که در روایت...»، این عبارت هیچ ارتباطی با توضیحات مربوط به «سوسی» ندارد، بلکه در واقع ادامه تعلیقه قبلی (۱۸:۵۳) است که به اشتباه در این قسمت آورده شده است.
- صفحه ۱۳۳۹، ۱۱:۵۴ راه انجامی گرفت: در تعلیقات این قسمت، به همین بند به‌عنوان شاهد مثال ارجاع داده شده است. ارجاع به خود برای اثبات قضیه درست نیست.
- صفحه ۱۳۵۰، ۳:۵۹ کوه لبنان: ← ۳:۵۹: ارجاع به خود نمی‌تواند چیزی را اثبات یا نفی کند.

## ۸.۲ پاره‌ای اشکالات و ویرایشی و نگارشی

از اصول ساده اما بااهمیت در تصحیح متون کهن رعایت فاصله‌گذاری‌ها یا الزام در رعایت سرهم‌نویسی است، زیرا غافل‌ماندن از این نکته ممکن است باعث کژخوانی و در نتیجه مغفول‌ماندن نکته‌ای زبانی، گویشی، یا کنایی باشد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- صفحه ۱۴۰، سطر نهم: «قبل از شروع متن فهرست نام مشایخ، با خط نستعلیق جدید و تعیین صفحات هرکدام از مشایخ در پایان فهرست آمده است: کتب هذا...». جمله از لحاظ رسانگی پیام مبهم است. درواقع، گفته شده قبل از شروع متن فهرست نام مشایخ در پایان فهرست آمده است. بر من معلوم نشد منظور مصحح از این جمله چیست؟
- صفحه ۱۵۵، سطر سوم: «ناچار شدیم... نسخه ایاصوفیا را اساس قرار دهیم و از نسخه‌های برلین و... به‌عنوان نسخه‌بدل». عبارت در این جا به‌پایان می‌رسد و ناقص باقی می‌ماند. فعل جمله قاعدتاً باید «استفاده کردیم» باشد.
- صفحه ۲۵۵، سطر پایانی: «آن شب احمد کوزه آب بر وی نهاد». در تعلیقات، «به روی نهاد» به معنی واژگون نهاد آمده است. لذا فاصله‌انداختن میان «بر» و «وی» باعث کژخوانی و در نتیجه کژفهمی شده است که باید به صورت «به روی نهاد» اصلاح شود.
- صفحه ۵۴۵، از پایین سطر دهم: «گاه‌گاه مشایخ را به اعمال او راه آنجا می‌گرفت». فعل جمله «راه انجام گرفتن» است. «می» گرفت پیشوند استمراری نیست و باید به کلمه «انجا» بچسبد.
- صفحه ۷۳۵، سطر هشتم: «تکبیر اول به خراسان‌ها بندید و سلام باز دهید!»؛ «ها» که به «خراسان» چسبیده درواقع «های» پیشوند فعلی و از مختصات زبانی خرقانی است، اما با رعایت نکردن فاصله مناسب بین «خراسان» و «ها» این نکته زبانی مغفول مانده است (نیز بنگرید به ص ۷۶۵، سطر نهم: «چشمه‌ای است از دریا و سرها دریا»؛ در این مورد هم «ها» علامت جمع نیست، بلکه حرف اضافه لهجه قومی است).
- صفحه ۷۸۲: در بخش معرفی ابوحمزه بغدادی، بعد از نقل داستانی مربوط به زندگه وی آمده است: «این داستان را با تفاوتی درباره ابوحمزه و حارث محاسبی نیز نقل کرده‌اند». در این جا، ابوحمزه حشو است، زیرا در جملات پیشین سخن از ابوحمزه بوده است.
- صفحه ۱۲۴۵، ۲:۱۹ قدموا قریشاً: «طبرانی آن را از عبدالله بن سائب و ابونعیم آن را روایت کرده است...». «آن را» در جمله فوق حشو و زائد است.
- صفحه ۱۲۵۳، ۲:۲۱ حبیب راعی: «و وقتی نام‌گذاری به این نام‌ها مرسوم نباشد، کنیه‌ساختن ازین نام‌ها: ابوخلیم،... و ابو عزیز کنیه‌دادن هم رسم نبوده...». در این عبارت «کنیه‌دادن» حشو است.

- صفحه ۱۱۹۱، سطر اول: «هرجا که نام بلال خواص بوده است، از جمله المختار ۴۶۴/۱ و ۳۱۰/۱-۳۱۱ و... و مناقب الأبرار ۱/۱۳۰». جمله فوق در همین جا به پایان می‌رسد و ناقص باقی می‌ماند.
- صفحه ۱۲۷۳، ۲۵:۳۳ تا گرد عرش گردد...: «در تمام روایاتی که متن عربی را دارند از قبیل... و مناقب الأبرار». معنای جمله ناقص باقی می‌ماند و در ادامه مطلب دیگری ذکر می‌شود.
- صفحه ۱۳۷۶، ۱:۷۱ جریری: «و در حاشیه یادآور شده‌اند که در الکامل ابن‌اثیر ۱۴۵/۸ ضبط شده است»؛ به نظر می‌رسد کلمه «جریری» قبل از «ضبط شده است» از قلم افتاده است.
- صفحه ۱۳۹۳، ۱۶:۷۳ نذر کردم که...: «شاید از کشف‌المحجوب... و المختار... و مناقب الأبرار...»؛ فعل جمله افتاده است که به قرینه می‌تواند «گرفته شده باشد» باشد.
- صفحه ۱۴۳۷، ۱۱:۸۱ بهترین خلق...: «ذیل عبارت را که ”لکی یری تقصیر نفسه“ است ندارد». در واقع جمله ناقص است و مصحح اشاره نمی‌کند کدام یک از دو منبع یادشده عبارت فوق را ندارد. با مراجعه به منابع دانسته شد این عبارت در المختار نیامده است.

## ۹.۲ افتادگی‌ها و اشتباهات در تصحیح متن و ارجاع به منابع

- صفحه ۳۹، از پایین سطر پنجم: «تا بعد از آن چنان شد که البته کس را به از خود بدانستی تا وقتی سگی دید». باتوجه به سیاق کلام، ضبط درست «ندانستی» است.
- صفحه ۲۹۶، سطر ششم: «و رزق داد تا او به رازقی بدانند و می‌رانید تا او را به قهاری بشناسند و زنده گرداند تا او را به قادری بدانند». به نظر می‌رسد حرف «را» بعد از «او به رازقی بدانند...» از قلم افتاده است.
- صفحه ۴۸۵، سطر یازدهم: «اگر امیرالمؤمنین فرمان ندهد به کشتن ایشان مذهب زنادقه متلاشی شود که سر این همه این گروه‌اند». باتوجه به سیاق کلام، ضبط کلمه بایستی «بدهد» باشد.
- صفحه ۵۲۶: در بخش معرفی ابراهیم رقی آمده: «و اگر همت او رضای خدای بود ممکن نبود که در توان یافت غایت او»، اما در متن تذکرة الاولیا «غایت قیمت او» آمده است (تذکرة الاولیا، ۵۲۷).

- صفحه ۶۸۰، سطر چهاردهم: «در آن وقت که این مهمان در بن پرده ظلمت مادر بود...»؛ براساس تعلیقات، کلمه «رحم» بعد از «ظلمت» از قلم افتاده است.
- صفحه ۷۹۰، از پایین سطر پنجم: «هرکه راست بیستاد با او، هیچ کس کژ نگردد و هرکه کژ شد با او، هیچ کس بدو راست نشود». به نظر می‌رسد «بدو» در جمله «هیچ کس کژ نگردد»، به سیاق جمله بعدی، از قلم افتاده است.
- صفحه ۱۲۰۴، ۱۲۲:۱۳ اندوه مخور...: «و ذکر الحق موجود»؛ در منبع یادشده (تهذیب‌الاسرار/ ۳۱۹) «المعبود» آمده است.
- صفحه ۱۲۹۲، ۴:۴۲ چون با نفس صحبت...: «خلق الله القلوب للذکر فصارت مساکن للشهوات»؛ با مراجعه به مآخذ عبارت دانسته شد اصل عبارت این گونه است: «خلق الله تعالی القلوب مساکن للذکر و...».
- صفحه ۱۳۴۰، ۱۰:۵۵ ساکن شدن به چیزی...: «سکون القلب الی المولی تعجیل...»، در منبع یادشده، «سکون القلب الی غیر المولی...» آمده است.
- صفحه ۱۴۵۱، ۱۲:۸۶ أف از اشغال دنیا: «أف من أشغال الدنيا و أف من حَسراتها اذا أدبرت و العاقل لا یرکن الی شیء ... (طبقات‌الصوفیه ۳۶۴، المختار ۴/۴۹۲)»؛ عبارت «والعاقل لا یرکن...» در المختار وجود ندارد و تنها قسمت آغازین عبارت را شامل است.
- صفحه ۱۲۰۶، ۱۵۲:۱۳ الخوف امرضنی: در ترجمه‌ای که مصحح از «الخوف امرضنی و الشوق احرقنی / و الحب قتلنی و الله احیانی» به دست داده است در ترجمه بند «و الحب قتلنی» دچار سهو شده و آن را به صورت «عشق مرا به زنجیر کشید» ترجمه کرده است.

## ۱۰.۲ ارجاع به آدرس‌های غلط در متن تذکرة‌الاولیا و سایر منابع

نمونه ارجاعات اشتباه به متن تذکرة‌الاولیا هم در مقدمه، هم در تعلیقات، و هم در نمایه‌ها به فراوانی دیده می‌شود، اما در این قسمت تنها اشتباهات فاحش و با اختلاف زیاد آورده شده و از اشاره به موارد جزئی صرف نظر شده است.

- صفحه ۴۲، پاورقی ۲: آدرس «دل نامتناهی است چنان‌که در شرح القلب بیان کرده‌ایم» شماره ۹۹/۲ آمده که صورت درست آن شماره ۵۱/۵۸ است.



- صفحه ۱۱۳۹، از پایین سطر پنجم: «عطار در تذکرة الاولیا در موارد دیگری نیز ازین تعبیر بهره برده است از جمله ۷۸:۱۱ و ۱۲:۳۱». در آدرس های داده شده و نیز بندهای قبل و بعد سخنی از موضوع مورد نظر که «ابدال» است یافت نشد.
- صفحه ۱۱۵۰، ۱۸:۱ زیرا که ازین معنی...: در پایان تعلیقات به نسخه بدل ها ارجاع داده شده است، اما چنین بند و شماره ای در بخش نسخه بدل ها نیست، بلکه در مطاوی بند ۱۵ آورده شده است. در نسخه بدل های بند ۱۵ در هم ریختگی های فراوانی رخ داده و نسخه بدل های بندهای ۱۷ و ۱۸ به صورت نامرتب و مغشوش وارد بند ۱۵ شده است.
- صفحه ۱۱۶۴، ۴۵:۳ به روی و ریش: در تعلیقات به بند ۴۵:۴ ارجاع داده شده، اما نکته جالب در این است که چنین بند و شماره ای در متن تذکرة الاولیا وجود ندارد (در صفحه ۱۱۶۷ نیز، «به روی و ریش» با ارجاع به بند ۴۵:۴ توضیح داده شده است که اصلاً چنین شماره ای در متن حاضر نیست).
- صفحه ۱۱۹۱، ۶:۱۲ تیه بنی اسرائیل: در تعلیقات به معجم البلدان ۶۹/۱ ارجاع داده شده که اشتباه است و آدرس درست ۶۹/۲ است.
- صفحه ۱۱۹۵، ۵:۱۳ حکمت در معده ای قرار نگیرد: چنین عبارتی در آدرس مذکور یافت نشد، بلکه با اختلاف بسیار در ۳۱:۱۳ دیده شد.
- صفحه ۱۲۰۸، ۱۰:۱۴ صاحب مقام محمود: عبارت مذکور در آدرس مذکور یافت نشد، بلکه با فاصله بسیار زیاد در ۱۰۰:۱۴ دیده شد.
- صفحه ۱۲۲۷، ۱۳۱:۱۴ یافتی یافتی: عبارت مورد نظر در شماره ۲۳۱:۱۴ دیده شد.
- صفحه ۱۲۲۲، ۱۳۹:۱۴ نخست بر خود نور ذات...: در تعلیقات آمده است: «نسخه بدل ها دیده شود»، ولیکن در بخش نسخه بدل ها نسخه بدلی داده نشده است.
- صفحه ۱۲۳۲، ۱۲:۱۵ پاره ای خوردی: (تکملة الاصناف ۵۰۰/۱): آدرس درست مأخذ ۵۰۱/۱ است.
- صفحه ۱۲۴۹، ۴:۲۰ عاقبین: در تعلیقات گفته شده است نسخه بدل ها دیده شود، اما نسخه بدلی داده نشده است.
- صفحه ۱۲۹۹، ۶۰:۴۳ هین ایمان عرضه کن: چنین عبارتی در آدرس مذکور یافت نشد، بلکه با فاصله زیاد در بند «۹۰:۴۳» دیده شد.

- صفحه ۱۳۰۵، ۲۰۳:۴۳ نثار نکنی: این عبارت با اختلاف زیاد در بند «۲۲۸:۴۳» دیده شد.
- صفحه ۱۳۳۰، ۶۰:۵۰ آن‌ها که اول قدم در فنا نهند: در تعلیقات به نسخه‌بدل‌ها ارجاع داده شده، اما در واقع نسخه‌بدلی داده نشده است.
- صفحه ۱۴۳۶، ۱۸:۸۰ ترجمه این عبارات است: «السَّفَلَةُ مِنَ لَا يَخَافُ اللَّهَ وَ... وَ الْمُخْتَارِ ۱/۲۶۵»؛ عبارات مذکور در المختار دیده نشد، بلکه در مناقب‌الابرار یافت شد.
- صفحه ۱۴۵۶، ۱۸:۸۹ صوفی آن است که وجد او...: «طبقات سلمی ۴۹، ...»؛ شماره صفحه مأخذ اشتباه است. شماره صحیح ۴۹۱ است.
- صفحه ۱۴۶۶؛ ۳:۹۳ رخصت‌ناجستن: این عبارت با فاصله زیاد در بند شماره ۳۱:۹۳ یافت شد.

## ۱۱.۲ مطابقت‌نداشتن متن با مدخل اصلی تعلیقات

- صفحه ۸۵۶ از پایین سطر نهم: «زندان تو تن است»؛ به‌استناد آنچه در تعلیقات (تذکره‌الاولیا، ۱۴۶۴) آمده است عبارت بدین‌گونه بوده است: «زندان تو تن توست».
- صفحه ۱۱۸۷، ۷۳:۱۱ خانه دیو: این عبارت در متن کتاب «خانه شیطان» آمده است. در نسخه‌بدل‌ها هم چنین ضبطی دیده نشد و پیدا نیست مصحح بر چه اساسی «خانه دیو» را به «خانه شیطان» بدل کرده است یا بالعکس.
- صفحه ۱۲۵۶، ۷۱:۲۳ دنیا کشت‌زار مؤمن: چنین عبارتی در متن تذکره نیست، بلکه در بخش نسخه‌بدل‌ها گنجانده شده است. لازم بود چنین اشاره‌ای صورت می‌گرفت.
- صفحه ۱۲۷۰، ۷۲:۳۰ آتش از آب تیزتر گردد: در متن تذکره، «آتش از باد» به‌کار رفته و توضیحی هم در باب این مغایرت داده نشده است. در نسخه‌بدل‌ها هم چنین ضبطی به‌کار نرفته است.
- صفحه ۱۲۷۷، ۱۴۱:۳۵ بنده گناه کند و ترا شرم بود: در متن کتاب، «کرم» بود. مصحح توضیح نداده است ضبط «شرم» بر چه اساسی است؟ در نسخه‌بدل‌ها هم اشاره‌ای به ضبط «شرم» نرفته است.

- صفحه ۱۳۱۰، ۴:۴۴ گنج‌نامه ابلیس: در متن تذکره فقط «گنج‌نامه» آمده است. در نسخه‌بدل‌ها هم صورت «گنج‌نامه ابلیس» یافت نشد.
- صفحه ۱۳۱۶؛ ۱۴:۴۶ بر یک جَست می‌گردد: در متن تذکره، «بر یک خشت...» آمده است. مصحح بدون آن‌که ذکر کند ضبط «بر یک جَست...» براساس چه نسخه‌بدلی است، به توضیح عبارت و سایر شواهد «جَست» به‌کاررفته در آثار عطار می‌پردازد.
- صفحه ۱۳۵۷، ۱۷:۶۲ فضیحت دعوی: در متن تذکره تنها «فضیحت» به‌کار رفته است. نسخه‌بدلی هم از این عبارت داده نشده است تا معلوم شود آوردن «فضیحتِ دعوی» به‌جای «فضیحت» براساس ضبط نسخه‌بدلی است یا متن افتادگی دارد؟
- صفحه ۱۴۲۹، ۲۳۱:۷۹ جکام دستش و مجان رگ پایش: در متن، «مجاز» آمده است، مصحح توضیح نداده است «مجاز» براساس چه نسخه‌بدلی وارد متن شده است. در نسخه‌بدل‌ها هم چنین ضبطی دیده نشد.

## ۱۲.۲ اشکالات مربوط به یک‌دست‌نبودن روش تصحیح متن

در تصحیح متنی چون *تذکرة الاولیا*، همان‌گونه‌که مصحح اذعان کرده است، باید از «روش مولکولی» بهره برد. مصحح درعین بهره‌گیری از نسخه‌های کهن با مراجعه به منابع پیش از عطار و نیز قرائن متنی دست به این مهم زده است، اما نگارنده در مطاوی کتاب حاضر به مواردی برخورد که با سیاق اصلی مصحح در تصحیح مغایرت داشته است. مصحح در موارد بسیاری خاطر نشان می‌سازد در خود جرئت نیافته است تا از ضبط نسخ اساس عدول و اجتهاد شخصی را وارد متن کند، اما علی‌رغم اشاره مصحح نمونه‌هایی دیده شد که مصحح ضبط نسخه‌ها را به یک سوی می‌نهد و تنها با استناد به منابع عطار در تذکره آن ضبط را وارد متن حاضر می‌کند. بر نگارنده معلوم نشد مصحح بر چه اساسی در مواردی ضبط اکثریت نسخه‌ها را ترجیح می‌نهد و بر چه اساسی در مواردی دیگر همین ضبط اکثریت را وارد متن نمی‌کند. از طرفی هم، این سؤال پیش می‌آید مرز بین وفاداری به نسخ اساس و استناد به قرائن متنی و اجتهاد شخصی چیست؟ در این جا به برخی از موارد سؤال‌برانگیز در تصحیح متن اشاره می‌رود:

- صفحه ۵۹۷، سطر دوم: «خوف تازیانه خداست»، باین‌که در تمام نسخه‌های اساس EDCBA ضبط کلمه «بارنامه» است تنها به جهت ذکر شدن «تازیانه» در طبقات‌الصوفیه سلمی و المختار من مناقب‌الانخيار بر ضبط بارنامه ترجیح داده شده است.
- صفحه ۱۱۶۵، ۲۲:۴ پرهیز ازین سخاره...: مصحح در تعلیقات آورده است: «عطار کلمه را سخاره خوانده است» و در ادامه ارجاع به حلیة‌الاولیا و صفة‌الصوفیه داده که ضبط «سخاره» را آورده‌اند، اما مصحح علی‌رغم این‌که تصریح دارد خود عطار کلمه را «سخاره» خوانده است، متن حاضر را به «سخاره» بدل کرده است.
- صفحه ۱۲۲۱، ۱۱۳:۱۴ قدم ذل: باین‌که چهار نسخه اساس و نیز نسخه‌های دیگر ضبط «قدم دل» دارند و تنها یک نسخه «قدم ذل» ضبط کرده است، مصحح ضبط اقل را برگزیده است.
- صفحه ۱۲۳۶، ۴:۱۷ علی بن عیسی بن هامان: باین‌که در نسخ اساس «هامان» آمده است، اما مصحح به استناد متون تاریخی «ماهان» را وارد متن کرده است. مصحح در موردی مشابه (۱۴۲:۹۵ محمود و غارت مهنه) باین‌که از لحاظ تاریخی «مسعود» درست است، به دلیل پای‌بندی به اساس، ضبط اساس را که «محمود» است وارد متن می‌کند.
- صفحه ۱۲۶۲، ۲۷:۲۸ نهر مسرقان: باین‌که سه نسخه اساس «مرقان» ضبط کرده است، مصحح ضبط مسرقان را که در کتب جغرافیایی آورده شده است برمی‌گزیند. اما به‌عنوان مثال، در صفحه ۱۱۴۶، ۱:۱ آن بومحمد جعفر صادق، مصحح باین‌که تمامی منابع رجالی و تاریخی کنیه امام صادق (ع) را ابو عبدالله ذکر کرده‌اند، به ضبط نسخ اساس مورد استفاده خود، که همگی کنیه آن حضرت را ابومحمد ذکر کرده‌اند، استناد کرده و از هرگونه دخل و تصرف اجتناب ورزیده است.
- صفحه ۱۲۶۳، ۱۵۵:۲۸ اسراف: باین‌که در تمام نسخه‌های اساس «سراق / سراق» به‌کار رفته، مصحح با استناد به تهذیب‌الاسرار «اسراف» را وارد متن کرده است، اما در صفحه ۱۲۵۶، ۲۹:۲۳ بازنگشت، مصحح باین‌که توضیح می‌دهد نحو جمله و معنای مورد نظر گوینده فعل منفی می‌طلبد، با استناد به اکثریت نسخه‌ها، «بازگشت» را در متن به‌کار می‌برد.

- صفحه ۱۳۱۷، ۱۹:۴۶ ملتزم: مصحح با این که اذعان می‌دارد نسخه اساس «مستلم» دارد، چون توجیه‌پذیر نیست، ضبط اساس را به یک سو می‌نهد و با استناد به معجم/البلدان «ملتزم» را وارد متن می‌کند.
- صفحه ۱۳۳۷، سطر اول: مصحح بیان می‌کند در نسخه اساس ما و نیز نسخه اساس نیکلسون «رجاء» بوده است، «ولی به قرینه مقامی و تقابل نعمت / رخاء به رخاء تصحیح شد»، اما در مورد صفحه ۵۸۰، از پایین سطر سوم: «و گفت اصل غلبه مقارنت شهوات است». با این که در بسیاری از منابع مورد مراجعه عطار مانند طبقات سلمی «مفارقت» آمده است و بافت معنایی جمله هم ضبط «مفارقت» را تأیید می‌کند مقارنت که وجهی ندارد آورده شده است.
- صفحه ۱۲۷۹، سطر پانزدهم: مصحح بیان می‌کند با این که تمام منابع «مخوف» یا «مخوفات» به جای «مخلوقات» دارند، «ولی چنین جرئتی در خود نیافتیم و همان صورتی را که در تمام نسخه‌های تذکره وجود دارد، یعنی مخلوقات، را حفظ کردیم». حال این سؤال پیش می‌آید با همه حساسیتی که مصحح در وفاداری به نسخه‌های اساس دارد، چرا در موارد مشابه این پای‌بندی به نسخ را به یک سو می‌نهد و اجتهاد شخصی خود را وارد متن می‌کند؟
- صفحه ۱۴۵۹، ۲:۹۲ قوت همت: با این که مصحح اذعان می‌دارد «ما متن را از "همت" به "هیبت" تغییر دادیم»، هم‌چنان در متن «همت» را به کار برده است.

### ۳. نتیجه‌گیری

تذکرة الاولیا از مهم‌ترین آثار نثر فارسی است که تاکنون چند بار تصحیح و چاپ شده است. آخرین تصحیح، که دکتر شفیع کدکنی آن را انجام داده است، از بسیاری جهات بر چاپ‌های پیشین برتری دارد. مصحح در این چاپ بالغ‌بر چهل نسخه کهن تذکره را استفاده کرده است که در چاپ‌های قبلی دیگر مصححان به بسیاری از آن‌ها ارجاع نداده‌اند. علاوه بر این مهم، مقدمه مفصلی که مصحح درباره تذکره و ترجمه‌های مختلف آن، سبک عطار، و معرفی تفصیلی نسخه‌های چهل‌گانه بیان کرده است، نشان از پژوهشی عمیق در لایه‌های مختلف شناسایی تذکره دارد. در کنار این‌ها، بایستی از تعلیقات عالمانه و به‌خصوص اشاره به مأخذ سخنان مشایخ در آثار پیش از عطار یاد کرد. با این همه، اشکالات

و کاستی‌هایی در تصحیح حاضر وجود دارد که رفع آن‌ها ارزش و سودمندی کار مصحح را بیش‌تر نمایان می‌سازد.

۱. بازنگری دقیق و اساسی در نمایه‌ها و ارجاعات درون‌متنی و برون‌متنی.
۲. لزوم بازبینی و ویرایشی و نگارشی، به‌خصوص در رعایت فاصله‌ها یا سرهم‌نویسی و رفع افتادگی‌های متن.
۳. ارائه توضیحات دقیق‌تر در ارتباط با روش تصحیح متن.

### کتاب‌نامه

- ابن اثیر، مجدالدین ابوالسعادات مبارک‌بن محمد (۲۰۰۳/۱۴۲۴)، *المختار من مناقب الاخيار، حقه و علقه عليه مأمون الصاغرجي، عدنان عبد ربّه، محمد اديب الجادر، الامارات العربيّه المتّحده*: مركز زايد للتراث و التاريخ.
- ابن خميس، حسين بن نصر (۲۰۰۶/۱۴۲۷)، *مناقب الابرار و محاسن الاخيار، تحقيق و تقديم سعيد عبدالفتاح، بيروت: دار الكتب العلميه*.
- انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۶۲)، *طبقات الصوفيه، به اهتمام محمدرور مولایی، تهران: توس*.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۹۹/۱۹۷۹)، *معجم البلدان، بيروت: دار صادر*.
- خرکوشی نیشابوری، عبدالملک بن محمد (۱۹۹۹)، *تهذيب الاسرار، تحقيق بسام محمد بارود، ابوظبی: المجمع الثقافي*.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۸)، *امثال و حکم، تهران: امیرکبیر*.
- سلمی، ابو عبدالرحمن (۱۳۷۲/۱۹۵۳)، *طبقات الصوفيه، تحقيق نورالدین شریبه، قاهره: دار الكتاب*.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴)، *نوشته بردریا: از میراث عرفانی ابوالحسن خرقانی، تهران: سخن*.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۹۰۷-۱۹۰۵)، *تذکره الاولیا، تحقيق رنولد الن نیکلسون، لیدن: بریل*.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۸۶)، *تذکره الاولیا، تصحیح متن و توضیحات محمد استعلامی، تهران: زوار*.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۸۶)، *مصیبت‌نامه، تصحیح و مقدمه محمدرضا شفیع کدکنی، تهران: سخن*.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۹۸)، *تذکره الاولیا، مقدمه و تصحیح محمدرضا شفیع کدکنی، تهران: سخن*.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۹)، *فرهنگ‌نامه قرآنی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی*.